

**متن پرسش**

باسمه تعالی سلام علیکم جناب آقای طاهرزاده. هرچند بعضی از این مباحث را تلفنی پرسیده ام اما هنوز ... اینجانب در سمت مربی پرورشی اکنون ۱۳ سال مشغول خدمت هستم که در زمان تربیت معلم و بعدا در بعضی جلسات و بعضا از طریق نوار و سی دی در خدمتتان بوده ام. وقتی بهحل کنونی انتقال یافتم ۶ سال پیش ، با طیفی مواجه شدم که حلال و حرام و حق و باطلی در کارشان نبود گروه چپ با افکار خاتمی. در آخر سال با مسئول کانون فرهنگی محل نشستم و انتقادات و ایراداتی به او گرفتم که او هم جنبه ی آن را نداشت و کینه ما را در دل گرفت و مصداق مضمون آیه شریفه: « کسانی که امر به معروف و نهی از منکر می کنند و برآنچه بدیشان می رسد صبر می کنند.» شدم آن فرد که حرفهای من برایش خیلی گران و سنگین بود و تا به حال کسی این جور او را زیر سؤال نبرده بود شروع به شیطنت و اشکال تراشی و دشمن سازی برای ما کرد و البته چون خانواده ما برتری اجتماعی و حرمت بیشتری داشتند عقده ی زیادی هم از ما داشتند سوال ۱ شخصی به من گفت از اشکالات نظام مقدس جمهوری اسلامی همین مساله امر به معروف را مطرح کردن بود که خیلی مشکلات برای جامعه و افراد ساخت زیرا امر به معروف و نهی از منکر کار دولت و حکومت است و فرد اگر این کار را بکند در زندگی اجتماعیش دچار مشکلات می گردد. آیا شما با این نظر مخالفید؟ به هر حال کم کم جبهه ای در مقابل ما تشکیل داده شد که همه ایشان فامیل خودمان بودند از پسر عمو پسر خاله داماد و ... و چون قبلا در آبادی نفوذ داشتند خوب توانستند از حس اعتماد مردم سوء استفاده و پیش ببرند. اگر ما می نشستیم عملکرد فلان مسئول اداره و یا شورا را زیر سوال می بردیم فوراً حرف ما را به او انتقال و برای ما دشمن تراشی می کردند. تا ما را تضعیف و یاری و یآوری برایمان نماند. سوال ۲ آیا وقتی که ما در زندگی خانوادگیمان می نشینیم از دیگران انتقاد می کنیم دیگران را تحلیل می کنیم آیا اینها غیبت است.؟ کسی که در آبادی دارد مهره چینی می کند و یک جبهه ای تشکیل می دهد که هرکس با من است او را قدرت می دهیم و هرکس مخالف ماست او را می کوبیم. نیروهایی که در خط رهبر هستند را حذف و افرادی که در گروه خودشان هستند را رشد، تشویق و ترغیب می کنند. اگر ما او را تضعیف نکنیم جبهه ای قوی در مقابل ما شکل می گیرد. آیا اگر ما دست طرف مقابل را رو کنیم اهدافش را و نیاتش را برای مسئولین و مردمی که باید بدانند که فلان مسئول دارد چه می کند آیا این حرف ها غیبت است؟ و چه بسا البته برداشت های اشتباهی هم از طرف داشته باشیم. کم کم فضای اذهان را علیه ما آلوده کردند. یکبار تهمت ارتباط نا مشروع با پیره زنی را زدند و آنگاه در ماهنامه ای که در محل چاپ می شد هر ماه عکس پیره زنی و تمسخر و استهزاء و دست انداختن و

کوچک کردن. و افرادی که کارشان در آبادی هوا ر راه انداختن بود. پسرخاله که دامادمان هم بود با هدایت پدرش که روضه خوان ساده دلی بود با اطرافیانش هر شب در روضه مسجد حکایت جوان گناهکار ، حکایت جوانی که توبه کرد ، حکایت ... و اشعار و احادیثی هدفدار جهت کوبیدن ما. در روانشناسی می گویند وقتی دروغی چندین بار تکرار شود اذهان آن را می پذیرد. و هرگاه کسی از ما حمایت می کرد او را سرکوب و همان روشی که برای ما در پیش داشتند همان روش را هم برای او در پیش می گرفتند. و ما بنا به فرمایش آقای طاهرزاده که ان الله یدافع عن الذین .... آبرو تامین شده از جانب خدا برای مومن است. سکوت کرده بودیم. زیرا که همه چیز را می خواستیم به خدا بسپریم.

سؤال ۳ و البته روزی با خدای خود عهد بستیم که گناه چشم را کنترل کنیم. ۶ ماه کنترل کامل کردیم که در این ۶ ماه خداوند در های برکتش را از زمین و آسمان به رویمان گشود. اما عهد خود را شکستیم و هنوز سخت سخت در اذیت و گرفتار این خطیئه هستیم. و در این مشکلات به سر می بریم و می گوئیم نکند این مشکلات به خاطر شکستن این عهد باشد؟ که چون عهد شکستیم این مشکلات شدت یافت. گاه با خود می گوئیم خوب این بندگان خداهم که راست می گویند تو که هنوز نتوانسته ای چشمت را کنترل کنی رسول الله هم که فرمودند نگاه گناه چشم زنا است . خوب اینها هم که دروغ نگفته اند چشمت کو ر نگاه نکن. تا خدا اینهمه مشکلات و رسوایی و مصیبت برایت جور نکند. وقتی ما را تنها و بدون یاور دیدند بازارشایعه سازی داغ و خیلی راحت بود. جوشی در زیر چشم ما زد شایع کردند زنش با مشت به زیر چشمش زده است. فصلنامه ای محلی را در آبادی پخش می کردیم شایع کردند در کوچه ها به دنبال ناموس مردم است. و خیلی چیزها ... و بعد طعنه به پدر زن ما و کم کم ترغیب که این داماد که مایه خون جگری است و او هم گفته بود بیاید طلاق دختر ما را بدهد راحت شویم . و پخش خبر در آبادی. و البته در خیلی جاها دستشان رو شد و آبرویشان رفت. مادر زنم دستش شکست . پای پسرش هم شکست و مردم گفتند چوب کارهایشان را خوردند. که نمیدانم آیا چنین تعبیراتی بر این قضایا صحیح است؟ ولی زمین ننشستند و برای جبران شروع کردند دیگران را به میدان بکشند و شریک جرم پیدا کنند تا بار خودشان سبک تر شود. سؤال ۴ من دارم می بینم دارند عده ای را فریب می دهند فضا سازی می کنند دیگری را به میدان می کشند تا گناه را به گردن او بیاندازند آیا به سراغ این افراد نروم که مواظب باشید فریبتان ندهند این حرف دروغ است این کار را به خاطر این کرده اند و حالا می خواهند برای این هدف چنین کنند آیا بگوئیم خداوند پشتیبان من است و به سراغ زندگی بروم ؟ سؤال ۵ در این قضایا هرگاه مومنی و حق جویی حرفی در دفاع ما زد او را کوبیدند و برایش مشکلات ساختند چگونه از این بندگان خدا دفاع بکنم که به خاطر حق گفتن صده خوردند. که البته بردشان به این دلیل بود که ما در میدان نبودیم آنان هرچه می خواستند می گفتند سؤال ۶ من خود به این اعتقاد رسیده ام که زمانه ی پر آشوبی است . باید به گوشه ای خزید و در خلسه ی خود با حق رفت و خیلی با خلق قاطی نشد. انسم بیشتر با کتاب است تا با خلق. وقتی انسان در این قضایا وارد می شود رفیق و کسی که دائما خبر بیاورد و خبر ببرد مفید است. تا فوراً

بتواند فتنه های رقیب را خاموش کند نه این که من به گوشه ای خزیده باشم و او مشغول فتنه گری خود باشد و من که سکوت و تنهایی را انتخاب کرده ام مشکل پیدا می کنم . و گاهی به کنایه می گویند که تو در خوابی و ... و گاهی ندایی که در درون مرا ترغیب میکند فعالیت های فرهنگی مسجد جامع را سامان دهی و پیگیری کنم که آن هم نیازمند گروه و افراد و نیروهاست. چه کنم با این تضاد؟ چند باراز چند نفر پرسیده ام که پشت من چه می گویند خنده ای و سکوت . این چه داستان عجیبی است . مرا دیوانه هم می خوانند. فقط می دانم در همه جا آشوب برپا داشته اند. آخر بروم به مردم بگویم زخم مرا نزنه . من به دنبال ناموس مردم نبوده ام . زنا نکرده ام. دائما این افکار در ذهن من است و مرا اذیت می کند و زندگی خانوادگیم را تحت تاثیر قرار داده است بسیاری از کارهایم معوق مانده است . آیا زندگیم را رها کنم و فقط به دنبال خاموش کردن فتنه ها باشم؟ یکبار مطلبی را چاپ کرده بودند تحت عنوان «روان شناسی تحقیر» : آنقدر قربانی را تحت فشار قرار می دهیم تا به زانو در بیاید.. و هر روز حکایتی و داستان و ضرب المثلی که به طریقی ما را می کوفت . و اینها همه برای این بود که چرا زیر بار ما نمی روی . چرا به طیف و دسته ما نمی آیی. چرا تحت فرمان ما نیستی. چرا راهی جدای از ما داریو حال که چنین است تو را می کوبیم و خوار می کنیم و یاری برایت نمی گاریم و هرکس به سوی تو بیاید خوارش می کنیم سؤال ۷ اگر به گروهشان بروم و با آنها عالم یکی بشوم همه این فتنه ها می خوابد و داستان ۱۸۰ درجه می چرخد چه کنم؟ آیا این خواری را بپذیرم. گاهی به دعا متوسل می شوم. نفرین مظلوم بر ظالم. دعای جوشن صغیر . دعای ... گاهی حرکت کوچکی و گوشه ای در دفاع خود که در مقابل به ازای یک تیر ۱۰۰ تیر دریافت می کنم و کسی که بریم دفاعی کرده در نیمه راه تنها می ماند. و او را می کوبند. گاهی استخاره می کنم که بتازم و بکوبم و به میدان بیایم که همیشه هم بد آمده است. گاه می گویم نیرو و افراد را برای خودم جمع کنم دفاع کنم. سوال ۸ این که تهمت زده است و بسیاری از مشکلات را فراهم کرده است پسرعمویم است آیا برای شب نشینی به منزلشان بروم ؟ آیا عید به دیدنش بروم؟ آیا او به خانه ما بیاید.؟ در مورد شوهرخاله ام چه کنم که هرشب در منبر روضه حکایتی از زنا خوانده آیا ارتباط داشته باشم؟ پدر زخم چه او گفته بیاید طلاق دخترم را بدهد . و هزاران حرف دیگر . چه موضعی بگیرم؟ آیا روابطم را با ایم افراد قطع کنم. من فکر می کنم علت برد آنان نبودن من در صحنه ( و شاید نبودن خدا در صحنه دلم) و عدم دفاع من بوده است که میدانی را به روی آنها گشوده که به راحتی بتوانند عقده هایشان را خالی کنند. سوال ۹ من در فصلنامه ایا هدایت و در جریان نشر آن هستم من هم می توانم معایب آنان را به تمسخر و استهزاه بگیرم آیا چنین بکنم. مثل خودشان . اینان فامیل من هستند و خیلی از اسرارشان را من می دانم آیا می توانم اسرارشان را رو کنم. و آبرویشان را ببرم تا سر جایشان بنشینند. و توان حرکتشان گرفته شود. سوال ۱۰ در این فضای ایجاد شده من رویم نمی شود که در جامعه حضوری آنچنانی بیابم که البته این هم یکی از اهدافشان بوده است. مثلا در مراسم ختم. چه کنم؟ سوال ۱۱ من خود تحمل میکنم که امام صادق فرمودند شیعه ما نیست اگر همه بگویند او آدم بدی و او ناراحت شود اما پدر و

مادر پیرم با این فضا چه کنند. برادرانم که می گویند به خاطر کارهای تو کسی به ما احترامی نمی کندو... با کمال تشکر از شما استاد گرانقدر از اینکه طولانی شد عذر خواهی می نمایم. ایمیل من جهت ارسال پاسخ : [www.noorian22@yahoo.com](mailto:www.noorian22@yahoo.com)

متن پاسخ

جواب: سلام علیکم :

باسمه تعالی

بعضی موارد هست که وظیفه‌ی دولت است تا مانع منکرات شود. مثلاً شهرداری‌ها یا میراث فرهنگی مانع شود تا افرادی که حجاب زننده دارند در مجامع تفریحی وارد شوند، ولی آن‌جایی که انسان امکان تأثیر امر به معروف یا نهی از منکر را می‌دهد وظیفه دارد تذکر دهد.

اما انسان وارسته در عینی که در مقابل تهمت دشمنانش خود را نمی‌بازد به شکل معتدل □ بدون آن‌که کار و زندگی خود را رها کند □ از خود دفاع می‌کند.

خیلی این تهمت‌ها را به چیزی نگیرید، خودشان می‌گویند و خودشان هم خنثی می‌کنند.

ارتباط خود را با اقوام ترک نکنید، و حرف‌هایی که پشت سر شما زده‌اند را به روی خود نیاورید.

در تمام موارد با شخص وارسته‌ای که در محل تان شما را می‌شناسد و جوّ محل را هم می‌شناسد، مشورت کنید.

سخن‌چینان را میدان ندهید که دائم بیایند و برای شما خبر بیاورند.

بعضی سخنان را به خود بر می‌دارید در حالی‌که با شما نیستند.